

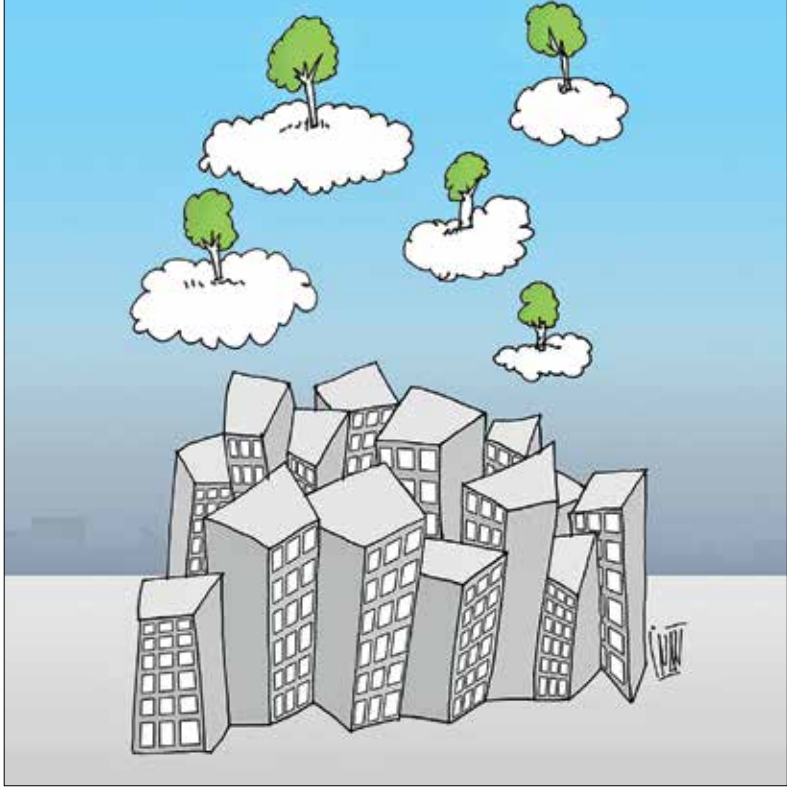
■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۵۶۹ ■ چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۹

<p>تلفن: ۰۵۱۷۴۶۰۸۸۷۶ نشانی: ۱۲۴۵۶ ۸۸۷۶ ارتباط مردمی: ۰۷۵۶۹۰۸۸۷۶ پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳۰۴۵۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۵۱۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم پرنتر برنا</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewspaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۱۸ اذان مغرب ۱۷/۵۹ نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ اذان صبح فردا ۵/۳۲ طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷</p>	

امام سجاد(ع): <p>بهترین گشاینده کارها راستی و بهترین پایان برنده آن وفاداری است.</p> <p>سخن روز</p>	بحار الانوار ، ج ۷۵، ص ۱۶۱
---	-----------------------------------

نگاره

امیرعباس تبریزی



#بودجه

پس از حرف و حدیث‌ها و حاشیه‌های مختلف و هشتگ کلیات اصلاحی لایحه بودجه در مجلس تصویب شد. خبری که کاربران زیادی به آن پرداختند و درباره مسائلی مثل سرعت تصویب و تعداد نمایندگان ممتنع نوشتند. اینکه جلسه رای دادن به کلیات بودجه غیرعلنی بود هم مورد توجه کاربران قرار گرفت: «کلیات لایحه اصلاحیه بودجه ۱۴۰۰ پس از حاشیه‌های فراوان و با کمترین اصلاح از سوی دولت، تصویب شد! نمایندگان مجلس انقلابی بودجه را با ۲۱۱ موافق، ۲۸ مخالف و ۶ ممتنع تصویب کردند!»، «مجلس با رای بالا و با اکثریت ۲۱۱ رای موافق کلیات بودجه را تصویب کرد»، «لایحه بودجه با تغییر چند عدد تصویب شد»، «مجلسی با شعار شفافیت آرا برای رد یا تصویب کلیات بودجه! جلسه غیرعلنی برگزار می‌کنه»، «خدا کنه از تورم

شهر وند مجازی
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>بگانه خدایی</div>

بورس ناسازگار

شاخص کل بورس دیروز دوباره افت کرد و با افت ۱۱ هزار واحدی در پایان معاملات امروز به عدد یک میلیون و ۲۴۵ هزار واحد رسید. این اتفاق در روزی که کلیات بودجه تصویب شد مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت و فعالان بازار بورس درباره دلایل و نتایجش نوشتند: «خداوشکر که سهام هر روز به جای منفی ۵ منفی ۲ می‌خورن»، «نقدشوندگی بازار #بورس کاملاً زیر سؤال رفته»، «دیگه کم کم باید سلطان صف فروش هم دستگیر بشه»، «می گفت نوسان بازار مهم نیست مهم اینه



در طول سال بورس صعودی باشه. از اون موقع تا حالا شاخص ۵۰ درصد ریخته. با دامنه نوسان منفی ۲ درصد، حدود ۱۲ هزار واحد منفی خورد شاخص کل»، «با محاسبات حدودی و ساده انگارانه، اگر دامنه مثل هفته قبل بود، باید حدود ۳۰ هزار واحد منفی می خوردیم امروز! این خوشحالی نداره؟»، «بورس به روز مثبت یک هفته منفی»، «بازار میخواد ثابت کنه که حرف مرد یکجیه! ده دامنه منفی ۵ باشه چه منفی دو، خون خودشو میاشه رو سهامدارا»، «از عجایب بورس ایران منفی ۵ باشه چه منفی دو، خون خودشو هم اینکه: رد کلیات بودجه، بازار سبز رو قرمز می‌کنه ولی تصویب کلیات بودجه بازار قرمز

متأسفانه اخلاق حرفه‌ای نداریم

لیلی گلستان: بسیار زیاد پیش آمده ترجمه‌هایم را بدون اطلاع استفاده کرده‌اند و مثلاً صوتی کرده‌اندیا...ولی من اصلاً به این موضوع اهمیت نمی‌دهم، چون فکر می‌کنم هر چه بیشتر شنید و خوانده شوند، بهتر است، البته این دلیل نمی‌شود که روی این نکته تأکید و اشاره نداشته باشم که متأسفانه ما در ایران اصلاً اخلاق حرفه‌ای نداریم؛ یک روز رادیو رایز کردم، متوجه شدم در حال خواندن بخشی سوم «شبی از شب‌های زمستان»، یا ترجمه من هستند؛ مشخصاً من با اشاره‌ی اجازه‌ای نگرفته بودم تا امان اعتراضی نکردم، فقط در روزنامه یاداشتی نوشتم با این موضوع که لااقل اگر می‌خواهید از کتابی استفاده‌ای این چنینی یا... کنید به من خبر دهید تا خودم هم گوش کنم و کیف کنم. این رفتارها اصلاً حرفه‌ای نیست و برای من که دنبال پول نیستم احترام به نویسنده و مترجم است که از اهمیت برخوردار است.

بخشی از گفت‌وگوی این مترجم با ایسنا، درباره کتاب «زندگی، جنگ و دیگر هیچ»



به یاد گلنوش خالقی (۱۳۱۹-۱۳۹۹)

پایان غربت چهل ساله

گلنوش خالقی کمی بیش از نیمی از عمر را خواسته ناخواسته در غربت گذراند. سرنوشتش چنین خواسته بود و او هم با درایت و شکیبایی با سرنوشتش کنار آمده بود. اما نه سازشکاری‌ای از او دیده شد و نه واپس‌نشینی. اصالت ایرانی‌اش را هم هیچ‌گاه از یاد نبرد. چه قبل از ۱۳۵۷ و چه بعد از آن، همیشه پرکار و باثمر بود و برای موسیقی کلاسیک ایران گام‌های مؤثر برداشت. در دنیای همیشه مذکر موسیقی ایران؛ او رهبر ارکستر و تنظیم‌کننده و آهنگساز و معلم بود و شاید از تمام همگنان و همجنسان خود برتر و والاتر، ولی نه سودای برتری‌طلبی داشت و نه دیدگاه جنسیتی را در موسیقی پذیرفت. گلنوش خالقی به تمام معنی موسیقیدان و معلم بود و همین را بالاترین مرتبت می‌دانست. مثالی بود عالی از اتحاد تبار و تربیت کلاسیک و پایبندی به اصولی که امروزه بسیار بدان‌ها بی‌اعتنایی می‌شود. مثالی از هنرمندی واقعی و بی‌تظاهر.

برای احیا و ابقای آثار پدر تلاش بسیار کرد و از جان مایه گذاشت. سودآوری و منفعت‌طلبی را نشناخته بود و با همان صراحت کلامی که از پدر و مادر به ارث برده بود، با هنرمند نمایان برخورد می‌کرد. تأسیس سایت استاد روح‌الله خالقی؛ انتشار پارتیتورها و گردآوری نوشته‌های پدر و تنظیم مجدد تعدادی از زیباترین‌های ساخته‌های استاد خالقی؛ گوشه‌ای از تلاش‌های خانم گلنوش خالقی است. در تمام این سال‌ها از راه دور به هرکسی که تشخیص می‌داد که شایسته کمک‌رسانی است؛ یاری می‌کرد و توقعی جز حفظ ارزش‌ها نداشت و برای شخص خود هیچ چیزی نمی‌خواست. از این خاطرات بسیار

یک استراژی شعری

اگر شما سراپنده یک شعر باشید و بخواهید یک شعر را تمام کنید چه کار می‌کنید؟ اصلاً شعر گفتن چه شکلی یا جطوری است؟ اصلاً نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم که آیا باید شاعر خودجوش شعر بگوید یا قریحه شاعری داشته باشد یا این که اصلاً قریحه داشتن اهمیت ندارد. می‌خواهم بگویم استراژی داشتن برای شعر یعنی چه؟ خب سؤال خیلی اساسی‌ای مطرح کردم و فکر نمی‌کنم پاسخی هم برای این سؤال داشته باشم. چون می‌دانم هر شاعری برای شعر گفتن به یک راه و یک روش و استراژی خاص خودش دست به کار نوشتن می‌شود. یکی از اینها که خیلی خاص خودش می‌نویسد هرمز علی‌پور است. همه‌جا وقتی حرف از هرمز به میان می‌آورم سریع می‌روم به سراغ بی‌استراژی بودن شعرش. یعنی اصلاً وقتی یک شعری را شروع می‌کند نمی‌دانی می‌خواهد با این شعر کجا برود و چه کاری با آن انجام بدهد و نمی‌دانی در انتها می‌خواهد چه اتفاقی را برای تو رقم بزند. این ساختار از نخستین نوشته‌هایش همیشه وجود داشته. یک دوره تشدید شده و یک دوره نظام‌مندتر شده اما هیچ‌وقت این یله بودن شعرش را فراموش نکرده است. می‌خواهم به کتاب تازه هرمز بپردازم. همان که نام «ای پوست مار» را بر خود دارد. این کتاب را نشر «نزدیک‌تر» منتشر کرده است و ۵۱ شعر را داخل خودش جا داده است.

حالا براساس همین کتاب دوباره بر می‌گردم به سؤالی که در ابتدا مطرح کردم. «اگر شما سراپنده یک شعر باشید و بخواهید یک شعر را تمام کنید چه کار می‌کنید؟»

حالا به سراغ شعرهای هرمز علی‌پور و خط‌های پایانی شعرهای این کتابش می‌روم. این نمونه‌ها را ببینید:

«که این فرق دارد با...»
«دیواری اصلاً دیگر نیست که به آن تکیه دهی که هر چه»
«و مثل قدیم نمی‌توانم به روشنی از نام مکان‌هایی بی‌نظم

مثلاً وقتی می‌گوید فرق دارد با، نمی‌دانی با چه چیزی فرق دارد. اصلاً انگار در ذهن‌اش همه چیز را باز گذاشته است. او در شعرش خیلی درها را باز می‌گذارد. یکی‌اش تخیل است. او هم خودش تخیل می‌کند و هم مخاطب را وادار می‌کند تا تخیل به خرج دهد تا بفهمد انتهای این شعر یعنی چه و به کجا ختم می‌شود. این البته کار مخاطب را سخت می‌کند. یعنی نمی‌دانی شعر هرمز را چطور بخوانی. این یعنی شعر هرمز مخاطب خاص دارد و او بلد است چطور همین مخاطب خاص را هم شگفت‌زده کند. شعر هرمز هرگز شعری عمومی نبوده است. شعری بوده که باید حتماً به ظرافتش آگاه باشی تا بتوانی وقفه‌هایی را که در زبان، کلام، مضمون، ساختار و شکل شعرش ایجاد می‌کند، درک کنی. این یعنی تسلط او به ساختاری که خاص خودش است. این یعنی سبک داشتن و او را متمایز کردن. بی‌دلیل نیست که منوچهر آتش‌ی شعر او را به چند نفر دیگر شعر ناب نامگذاری می‌کند و بعدها از این شعر ناب فقط هرمز است که می‌ماند. با این‌همه همچنان هرمز را شاعر سطرهای درخشان شعری می‌دانم. مثل این است که یک تاش روی بوم بزند و همان تاش شاهکار از آب در بیاید و شما را شگفت‌زده کند. مثلاً ببینید این سطر را: «من از اهل خانه‌ام شرمندهام و این خود کار هزار مرگ را می‌کند و بیش‌تر از این جای مردن ندارم.»



دارم و دیگران هم با من همداستانند. صراحت‌های گاه تلخ و تند نتوانست عذوق‌ت و انسانگرایی عمیق او را پنهان کند و او برای نگهداری و انتشار آنچه را که ارزشمند می‌دانست از چیزی دریغ نکرد. تنظیم‌هایش بسیار خوش صدا و از لحاظ فنی درخشان و پاکیزه‌اند. حتی از جهانی‌بر اجراهای زمان استاد خالقی هم برتری دارند بویژه در هارمونی و سازبندی و بهره‌وری از صدای صحیح سازهای بادی در ارکستر. آلبوم ماندگار «می‌ناب» یادگار حضور پرثمر او در سال‌های ۱۳۷۰ در ایران است دریغ که دیری نپایید. درگذشتش مایه تأسف بسیار است. کاش شرایط بهتری بود که از مجموعه دانش و هنر و انسانیتش بهره ببریم. او یکی از آخرین نمونه‌های بازمانده از عصری بود که در آن بسیاری از ارزش‌ها حاکمیت داشتند و امروز با سرعتی هول آور دارند به خاکستر سرد تبدیل می‌شوند.

تماشای نمایش‌های آنلاین با امید تمام شدن کرونا

با اتفاقی که در جهان افتاد و یک سال از آن می‌گذرد جایی که من فعالیت می‌کنم یعنی مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای تمام بچه‌های ایران فیلم تئاترهایی در سایت خودش قرار داد. تمام اجراهایی که سال گذشته و پیش از شیوع بیماری کرونا یا در سال‌های قبل اجرا شده بودند در قالب طرح «نمایش نما» به شکل آنلاین در اختیار خانواده‌ها قرار داده شده و فکر می‌کنم یکی از راه‌هایی که بچه‌ها بتوانند با فضای نمایش آشنا‌تر شوند و زمان تفریح و استراحت‌شان را بگذرانند دیدن همین نمایش هاست که در طول سالیان در این مرکز ضبط و ثبت شده است.

نمایش‌هایی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا می‌شوند براساس نگاه کانون به خانواده و کودک و نوجوان است. من از اعضای شورای انتخاب این نمایش‌ها بودم و باید بگویم که اولویت ما برای انتخاب نمایش‌ها واژه‌های درست تربیتی و آموزشی است.

که ما داریم انتخاب متن‌های سالم با نگاه‌های بسیار تربیتی و آموزشی است و البته نمایش‌های تفریحی هم داریم که فقط به بچه‌ها دستور ندهیم. نمایش‌هایی با داستان‌های بسیار ساده که با بازیگر با عروسک کار شده و پیشنهاد من این است که خانواده‌ها به بچه‌ها به سایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مراجعه کنند و این نمایش‌ها را ببینند.

تا روزی که از شر کرونا راحت شویم و بچه‌ها با خانواده و دوستان و همکلاسی‌هایشان برای دیدن نمایش‌ها به کانون بیایند.

نمایش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قابل تماشا در: www.kpf.ir

پیشنهاد



عادل رزودوه کارگردان و عروسک ساز



داستان‌های بسیار ساده که با بازیگر با عروسک کار شده و پیشنهاد من این است که خانواده‌ها به بچه‌ها به سایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مراجعه کنند و این نمایش‌ها را ببینند. تا روزی که از شر کرونا راحت شویم و بچه‌ها با خانواده و دوستان و همکلاسی‌هایشان برای دیدن نمایش‌ها به کانون بیایند.

تماشا در: www.kpf.ir

هیچ اهمیتی نداره که من چی جس می‌کنم. اصلاً مهم نیست که من چی فکر می‌کنم، مهم اینه که مرگ همچنان مرگه.



■ **۲۹ بهمن**

سال ۱۹۲۵ در چنین روزی نخستین شماره هفته‌نامه آمریکایی نیویورکر منتشر شد. این هفته نامه به انتشار نقد ادبی و شعر و داستان شهرت دارد و آثار بسیاری از نویسندگان مطرح جهان مانند جی.دی. سلینجر، جان آپدیک و ریچموند کارور ابتدا در این هفته نامه منتشر شده‌اند.

تولدها

شهرام ناظری: شوالیه آواز ایران سال ۱۳۲۸ در چنین روزی به دنیا آمد. شهرام ناظری در ۷ سالگی نخستین برنامه هنری اش را در رادیو کرمانشاه اجرا کرد و در ۱۱ سالگی هم اجراهایی در رادیو و تلویزیون داشت. اما کارش را به‌صورت جدی از دهه ۵۰ آغاز کرد و ابتدا آلبوم‌هایی مشترک با محمدرضا شجریان منتشر می‌کرد. پس از تأسیس کانون چاووش در اواخر دهه ۵۰ تصنیف‌هایی مانند «آزادی» را با همکاری این کانون خواند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. ناظری در دهه ۶۰ با خواندن قطعاتی با اشعار مولانا بیشتر مطرح شد و آلبوم «صد برگ» او به موفقیت زیادی دست پیدا کرد. ناظری آلبوم‌های مختلفی را با همکاری چهره‌هایی چون جلال ذوالفنون و گروه‌هایی چون تنبور شمس و عارف منتشر کرد که «بنمای رخ»، «مثنوی موسی و شیان» و «لاله بهار» از جمله آنها هستند. آثاری چون «زمستان»، «بشنو از تی»، «نخودا»، «آتش در ریستان»، «ساقی نامه»، «مهتاب»، «ساز نو و آواز نو» و «سفر به دیگر سو» هم از آثار ماندگار او هستند. مجمع انجمن آسیا ناظری را هنرمند برتر آسیا، نیویورک تایمز او را «بلیبل فارسی» و روزنامه کریستین ساینس مانیِتور او را پاوروتی ایران معرفی کرده‌اند.

جهانگیرملک نوازنده مطرح ساز تنبک سال ۱۳۱۱ متولد شد. جهانگیر ملک ساز تنبک را از حسین تهرانی آموخت و علی‌تجویدی پس از شنیدن چند قطعه او را به رئیس وقت رادیو معرفی کرد. پس از آن ملک در ۲۱ سالگی در ارکسترهای مختلف نوازندگی کرد و پس از تشکیل ارکستر گل‌های ن ایپوست. او در سال‌های فعالیتش با هنرمندانی چون پرویز یاحقی، همایون خرم، حبیب‌الله بدیعی و حسینعلی ملاح همکاری کرد و در برنامه‌های مختلفی مانند گل‌های جاویدان، برگ سبز و تکنوازان به‌عنوان نوازنده حضور داشت که در برنامه تکنوازان حدود ۵۵۰ برنامه اجرا کرد. ملک جزو پرکارترین هنرمندان موسیقی ایران بود و تا آخرین روزهای زندگی‌اش در برنامه‌های مختلف و کنسرت‌هایی در ایران و کشورهای چون آمریکا، انگلستان، آلمان و ایتالیا شرکت می‌کرد. اوسال ۱۳۸۱ درگذشت.

نصرت پرتوی: بازیگر تئاتر و نخستین زن درام نویس ایران سال ۱۳۱۶ به دنیا آمد. نصرت پرتوی بازیگری را در هنرستان هنریشکیی و اداره هنرهای دراماتیک گذراند و پس از آن وارد گروه هنر ملی شد. او در نمایش‌های تلویزیونی مانند «ویلای یوکا» و نمایش‌های صحنه‌ای چون «آلونک»، «عروسک‌ها» و «سنگ و سرنا» بازی کرد و در فیلم «گوزن‌ها» هم حضور داشت و مورد توجه قرار گرفت. پرتوی نویسنده نمایش‌های مختلفی مانند «تقلا» و «تیر شکسته» بود.

آذرتاش آذرنوش چهره ماندگار ادبیات عرب، **لی استار اسبرگ** کارگردان لهستانی، **رضاموسوی** نوازنده تار، **بهادر بابایی** نوازنده سه‌تار، **لورینامک کتین** بیاننست و خواننده کانادایی، **ادشیرن** خواننده انگلیسی، **جوزف گوردون لویت** بازیگر آمریکایی، **دونمیک پرسل** بازیگر استرالیایی- بریتانیایی، **سیمین امیریان** نمایشنامه‌نویس و کارگردان، **خسرو معین** افشار باز رنگر، **مریم بصیری** نویسن، **صالح دروند** شاعر، **علی غیشاوی** داستان‌نویس، **هنرروش قربانعلی** شاعر و **مهدی احمدوند** خواننده هم متولد امروز هستند.

درگذشت‌ها

خسرو گل‌سرخي: شاعر و نویسنده و مبارز سیاسی سال ۱۳۵۲ در چنین روزی به اتهام فعالیت‌های سیاسی در زندان رژیم شاه تیرباران شد. خسرو گل‌سرخي متولد ۱۳۲۲ بود و از دوران دبیرستان شعرها و نوشته‌هایش را با نام‌های مستعار چون «دامون»، «بابک رستگار» و «افشین راد» منتشر می‌کرد. گل‌سرخي سال ۱۳۵۱ بازداشت شد و پس از محاکمه‌ای جنجالی که از تلویزیون ملی پخش شد، تیرباران شد. از او مجموعه اشعاری چون «خسته‌تر از همیشه»، «ای سرزمین من» و «من در گجای جهان ایستاده‌ام» و آثاری چون «سیاست هنر، سیاست شعر»، «نیما و حقیقت خاکی» و «ادبیات توده» منتشر شده است.

نادر نادرپور: شاعر و نویسنده ایرانی سال ۱۳۲۸ درگذشت. نادر نادرپور متولد ۱۳۰۸ بود و پس از آشنایی با زبان‌های ایتالیایی و فرانسه شروع به ترجمه کرد. اوسال ۱۳۴۶ همراه تعدادی از نویسندگان مطرح کانون نویسندگان ایران را تأسیس کرد و مدتی هم سردبیر ماهنامه‌هایی چون «هنر و مردم» و «نقش و نگار» بود.

اشعار نادرپور هم در قالب‌های سنتی بودند و هم در قالب‌های نو سروده می‌شدند و به‌دلیل لطافت و زیبایی شهرت داشتند. پرویز ناتل خانلری او را در صف اول شاعران معاصر ایران قرار داده است. از نادرپور مجموعه اشعار «زمین و زمان»، «خون و خاکستر»، «صبح دروغین» و «شام بازبین» منتشر شده است.

■ **سالروز درگذشت محمد حسین هیکل** روزنامه نگار مشهور مصری هم امروز است.



گلنوش خالقی را بانام پدرش روح‌الله خالقی آهنگساز «ای عکس نوشت	
نخستین زن ایرانی بود که به شکل تخصصی در رشته رهبری ارکستر تحصیل کرده بود و با دانشی که داشت سرود «ای ایران» اثر روح‌الله خالقی را که با صدای غلامحسین بنان با آوازهای ماندگام کم ضبط شده بود دوباره برای تکخوان (رشید وطندوست)، آواز گروهی و ارکستر تنظیم کرد. این اثر که از کارهای ماندگار گلنوش خالقی است در سال ۱۳۶۹ همراه با بازسازی تعداد دیگری از ساخته‌های روح‌الله خالقی در آلبومی به نام «می‌ناب» منتشر شد و مورد استقبال قرار گرفت. خبر درگذشت او در ۲۷ بهمن خبری تلخ بود.	